

۱- ب	۲- ج	۳- الف	۴- الف	سؤالات چهار گزینه‌ای (۲ نمره)
سؤالات تشریحی (۱۸ نمره)				
				۱- حال «منتقله» و «لازمه» را تعریف کرده، بیان کنید هریک از مثال‌های زیر کدام یک از این دو به شمار می‌آید. الف) <u>شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَاتِلًا بِالْقِسْطِ</u> :
				ب) جاء زید را کیا :
				- حال لازمه: حالی است که برای ذوالحال دوام و ثبوت دارد (۵/۰). حال منتقله حالی است که برای ذوالحال دوام و ثبوت ندارد (۰/۵). الف) قیام به قسط برای خداوند وصفی ثابت است، بنابراین، «قانما» حال لازمه است. ب) وصف رکوب برای زید دوام و ثبوت ندارد؛ بنابراین، «راکباً» حال منتقله است.
				۲- در مثال‌های زیر نوع تمیز محوّل را بنویسید. (محوّل از فاعل / محوّل از مفعول / محوّل از مضارف) (از میان ۶ مورد زیر تها به ۴ عدد پاسخ دهد) الف) آن‌ت اعلیٰ مَنْزِلًا : ب) <u>وَفَجَرْنَا الْأَرْضَ عَيْوَنًا</u> : ج) زیدُ أَكْثَرُ مَالًا : د) <u>غَرَسْتُ الْأَرْضَ شَجَرًا</u> : ه) <u>وَأَسْتَعْلَمُ الرَّأْسُ شَيْئًا</u> : و) محوّل از فاعل ج) محوّل از مضارف ب) محوّل از مفعول د) محوّل از مفعول
				۳- مطابق نمونه، معانی حروف جر مشخص شده در عبارات زیر را از میان اصطلاحات داده شده بباید. ۱- تعديه / ۲- بدليت / ۳- زانده / ۴- تعلييل / ۵- سبيت / ۶- فاعل / ۷- بياجنس / ۸- انتهاء غايت / ۹- تعريض / ۱۰- تعديه / ۱۱- ظرفيت
				نمونه: <u>ذَهَبَ اللَّهُ بِسُرُورِهِمْ</u> : تعديه الف) <u>أَرْضِيَّسْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ</u> : ب) <u>فَيُظْلِمُ مَنْ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمَنَا عَنِيهِمْ طَيَّبَاتِ</u> : ج) <u>وَإِذْرُوْهُ كَمَا هَدَأْكُمْ</u> : ه) <u>فَاجْتَبَيْرُ الرَّجُسْ مِنَ الْأَوْثَانِ</u> : ز) <u>أُولَئِكَ الَّذِينَ اسْتَرْوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ</u> : و) <u>سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعَ الْفَجْرِ</u> : ح) <u>فَهَبْ لِسِي مِنْ لَدُنَكَ وَلِيَا</u> :
				آ) بدليت د) بياجنس ز) تعريض ب) سبيت ه) زانده ج) تعلييل و) انتهاء غايت
				۴- قال ابن مالک:
				كَفَعْلِهِ اسْمُ فَاعِلٍ فِي الْعَمَلِ إِنْ كَانَ عَنْ مُضِيِّهِ بِمَغْزِلِ أَوْ نَفِيَاً أَوْ جَاصَ صَفَةً أَوْ مُسْنَدًا وَلَيْسَ بِهِ اسْتِهَاماً أَوْ حَرْفَ نَسْدَا وَغَيْرِهِ إِعْمَالُهُ قَدِ ازْتَضَي وَإِنْ يَكُنْ صِلَةً إِلَى فَقِيَهِ الْمُضِيِّ
				الف) با توجه به ایات بالا شرایط عمل اسم فاعل را بنویسید. ب) توضیح دهید ایام فاعل های به کار رفته در عبارات زیر شرط عمل نصب در مفعول به را دارند یا خیر؟ ب. ۱) هذا ضارب زید امسی : ب. ۲) زید هو الضارب ایمه امسی :
				ا) دلالت بر زمان حال و یا آینده داشته باشد. و تکیه بر استفهم، نداء، نفي، موصوف و یا مبتدا داشته باشد. ب. ۱) این مثال شرط زمانی عمل اسم فاعل را ندارد. ب. ۲) در این مثال اگرچه زمان اسم فاعل گذشته است، ولی چون صلة «الف و لام» واقع شده است، عمل می‌کند.
				۵- هریک از افعال زیر کدام شرط از شروط ساخت صیغه تعجب را ندارند؟ الف) فئی : ب) عسی : ج) أحمق : د) ضرب :
				الف) قابل تفضیل نیست. ب) متصرف نیست. ج) دال بر عیب است. د) فعل معلوم نیست.
				۶- در عبارات زیر، رابط جمله حاليه را تعیین کنید. (از میان ۶ مورد زیر، تها به ۴ عدد پاسخ گویید)

ج) (أَفْيُطُوا بَعْضُكُمْ لِيُعْصِي عَدُوّهُ): و) (لَا تَنْبُرُوا الصَّلَاةَ وَإِنْتُمْ سُكَارَى):	ب) جاء زيدٌ وقد طلعت الشمس : هـ) (وَجَاؤُوا أَبَاهُمْ عَشَاءَ يَئِنُونَ):	الف) (لَمْ تُؤْذُنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ): د) (لَئِنْ أَكَلَهُ الذَّبْثَ وَتَحْرُنْ عُصْبَةً):
ج) ضمير فقط و) «واو» و ضمير	ب) «واو» فقط هـ) ضمير فقط	أ) «واو» و ضمير د) «واو» فقط
(٤ مورد - هرکدام ٥/. نمره)		
٧- قال ابن مالك:		
وَجُرَرَ مَا يَتَبَعُ مَا جَرَ وَمَنْ راعى فِي الْاتِّبَاعِ الْمَحَلَّ فَحَسِنَ		
چگونگی تطبیق مسأله مطرح شده در بیت بالا را در مثال «عِجَبٌ مِّنْ شُرِبِ مُوسَى وَزَيْدٍ» توضیح دهد.		
در این مثال جائز است که «زید» را جر بدھیم، بنابر تبعیت از لفظ «موسی» که مجرور است، و همچنین جائز است «زید» را رفع بدھیم، به لحاظ تبعیت از محل معطوف عليه، چراکه «موسی» فاعل در معنا برای «شرب» است.		
٨- قال السیوطی: «مُشَبِّهٌ إِذَا» من أسماء الزمان المستقبل كـ«إذا»، لا يضاف إلا إلى الجملة الفعلية. قاله [ابن مالك] في شرح الكافية نقلًا عن سیوطیه، واستحسنه.	قال: «لولا أَنْ مِنَ الْمَسْمُوعِ مَا جَاءَ بِخَلْافِهِ، كَقُولَهُ تَعَالَى: (يَوْمَ هُمْ يَأْرِزُونَ)» انتهى. وأجاب ولده عنها بأنها متنزل في المستقبل لتحقيق وقوعه منزلة الماضي، وحيثئذٍ فاسم الزمان فيه ليس بمعنى «إذا» بل بمعنى «إذ»، وهي تضاف إلى الجملتين.	الف) قال ابن مالك كلامه «يوم» در آیه یادشده را به معنی «إذا» گرفته است؟ ب) چنانچه «يوم» به معنی «إذا» باشد، چه ایرادی بدان وارد می شود؟ پاسخ به آن را نیز توضیح دهید؟
الف) زیرآیه از احوال روز قیامت خبر می دهد و روز قیامت مستقبل است و «إذا» که ظرف زمان مستقبل است با آن مناسب است.		
ب) در این صورت لازم می آید مشبه «إذا» اضافه به جمله اسمیه شود در حالی که مشبه «إذا» همانند خود «إذا» فقط به جمله فعلیه اضافه می شود. در پاسخ می گوییم: از آنجا که قیامت محقق الوقوع است به منزله زمان گذشته محسوب می شود، و در اینصورت یوم مشبه «إذا» است و آن ظرف زمان گذشته‌ای است که جائز است به جمله اسمیه و فعلیه اضافه شود، و بدین صورت اشکال یادشده مرتفع می گردد.		
٩- «وَلَا يُضَافُ اسْمٌ لِمَا يَهْتَدِي مَعْنَى، فَلَا يُضَافُ اسْمٌ لِمُرَادِهِ، وَلَا مَوْصُوفٌ إِلَى صِفَتِهِ، وَلَا صِفَةٌ إِلَى مَوْصِفِهَا، لَأَنَّ الْمُضَافَ يَتَعَرَّفُ بِالْمُضَافِ إِلَيْهِ أَوْ يَتَحَصَّصُ، وَالشَّيْءُ لَا يَتَعَرَّفُ وَلَا يَتَحَصَّصُ إِلَّا بِعِيْرِهِ، وَأَوْلُ مُوْهِمٍ ذَلِكَ إِذَا وَرَدَ». با توجه به متن یادشده توضیح دهید:	الف) چرا اضافه در مانند «قَمْحٌ بِرٌّ» و «أَرْجُلُ قَائِمٍ» اشتباه است؟ ب) راه توجیه نمونه‌هایی مانند «سَعِيدٌ كُرْزٌ» و «مَسْجِدُ الْجَامِعِ» که در متون فصیح به کار رفته، چیست؟	
الف) مثال «قمح بِرٌّ» اضافه‌ی دو اسم مترادف به یکدیگر است و از موارد «اضافة الشيء إلى نفسه» محسوب می شود (٥/.). مثال «رجلٌ قائمٌ» نیز از موارد اضافه موصوف به صفت است که این نیز نوعی «اضافة الشيء إلى نفسه» است (٥/.). از این رو، اضافه در هر دو مثال یادشده ممتنع است.		
ب) مواردی مانند «سعیدٌ كُرْزٌ» را اینگونه توجیه می کنیم که مراد از «سعید»، «المسمى بِسَعِيدٍ» است که در اینصورت با «کرز» مغایرت معنائی پیدا می کند (٥/.). در مثال «مسجد الجامع» نیز که موهم اضافه موصوف به صفت است، می گوییم در واقع «الجامع» صفت برای موصوف محدود است و در اصل «مسجد اليوم أو المكان الجامع» است (٥/.).		